

چگونه سیاست‌های جمعیتی به بحران تبدیل می‌شود؛ یک مثال از قاره‌ی بزرگ آسیا

عذرا نایینی^۱، محمدرضا حطیبه^۲، خلیل ندایی‌پور اصل^۳

^۱ کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی، دفتر آمارهای جمعیت، نیروی کار و سرشماری، مرکز آمار ایران
^۲ کارشناس پژوهشگری علوم اجتماعی، دفتر آمارهای جمعیت، نیروی کار و سرشماری، مرکز آمار ایران
^۳ کارشناس ارشد علوم ارتباطات اجتماعی، دفتر استانداردها و نظارت بر طرح‌های آماری، مرکز آمار ایران

نمودن جمعیت را دارند، خواهد بود. با این وجود هنوز برخی از این کشورها از سالخودگی جمعیت خود نگرانند.

دو کشور پرجمعیت جهان (چین و هند) در قاره‌ی آسیا قرار دارند. کشور چین، با جمعیتی معادل ۱/۳ میلیارد نفر بیش از ۱۹ درصد جمعیت جهان را در خود جای داده است. این کشور در دهه‌های گذشته سیاست تک‌فرزندی را در پیش گرفت تا شاید بتواند رشد شتابان جمعیت خود را مهار کند. این پدیده در بلندمدت ساختار جمعیت چین را سالخورده نمود، اما این تنها مشکل نبود. اعتقادات مردم مبنی بر ترجیح نوزاد پسر نسبت به دختر، با اجرای سیاست تک‌فرزندی آثار مخرب بیشتری را بر ساختار جمعیت چین اعمال نمود، به‌گونه‌ای که در انتهای دهه‌ی گذشته، نسبت جنسی بدو تولد حدود ۱۲۰ (۱۲۰ پسر در برابر ۱۰۰ دختر) به دست آمد و موجبات نگرانی مسئولان و برنامه‌ریزان این کشور را فراهم نمود. در صورت ادامه‌ی این فرایند، امکان یافتن همسر مناسب برای بسیاری از پسران در این کشور وجود نخواهد داشت. در حال حاضر کشور چین قصد دارد در سرشماری آتی

کشورهایی بودند که در این راه گام برداشتند. متعاقب آن، باروری در این کشورها کاهش یافت و یک غفلت طولانی باعث شد، جمعیت آن‌ها سالخورده شود. سالخوردگی، ساختار جمعیتی را تخریب کرد، به‌گونه‌ای که با وجود برنامه‌ریزی‌های متعدد و اتخاذ سیاست‌های تشویقی در جهت افزایش باروری، هرگز امکان برگشت به عقب و بازسازی جمعیت از طریق رشد موالید فراهم نشد. شاید دلیل این امر، خارج شدن زنان از خانه در طی چندین دهه، و مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های اجتماعی باشد. امروزه زنان در عرصه‌های گوناگون اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مشارکت دارند و استقلال و رفاه برای آن‌ها معنای دیگری یافته است. از سوی دیگر در کشورهای غربی که اغلب، نظام سرمایه‌داری حاکم است و تفکر مذهبی در اولویت‌های دوری قرار دارد، وجاهت اعتقادات مذهبی تأثیر کمتری در پذیرش سیاست‌های تشویقی باروری و افزایش موالید خواهد داشت. در نتیجه تنها راه باقی‌مانده برای جبران خسارت واردشده به ساختار جمعیت، اتخاذ سیاست‌های مهاجرتی و فراهم نمودن تسهیلات لازم برای جمعیت‌های مختلف به‌خصوص جوانان، که قابلیت باروری و جوان

جمعیت موضوعی است که قابلیت مطالعه‌ی بین رشته‌ای دارد. در قرن‌های اخیر که جمعیت دنیا با رشدی شتابان در حال افزایش است، این موضوع اهمیت بیش‌تری یافته است. از آنجایی که منابع طبیعی محدود است بهترین گزینه، کنترل رشد جمعیت متناسب با رشد منابع طبیعی است. البته برای تدوین سیاست‌های جمعیتی باید به ابعاد گوناگونی توجه شود. در گذشته، حتی پیشرفته‌ترین کشورهایی که سیاست‌های جمعیتی خود را بعد از تدوین، رصد نکرده‌اند، در بلندمدت با بحران مواجه شده‌اند. در حال حاضر بیش‌ترین جمعیت جهان در قاره‌های آفریقا و آسیا به سر می‌برند که اغلب مردم در آن‌ها نسبت به کنترل جمعیت، بی‌توجه یا کم‌توجه هستند.

برنامه‌ریزی برای جمعیت پیچیدگی‌های خود را دارد. بعد از انقلاب صنعتی و پیشرفت علوم در تمام زمینه‌ها، از جمله بهداشت عمومی، شرایط لازم برای خانواده‌ها ایجاد شد تا بتوانند برای داشتن تعداد فرزند مطلوب خود برنامه‌ریزی کنند. کشورهای توسعه‌یافته، اولین

جدول ۱- رتبه‌ی اول تا پنجم کشورهای جهان از نظر تعداد جمعیت

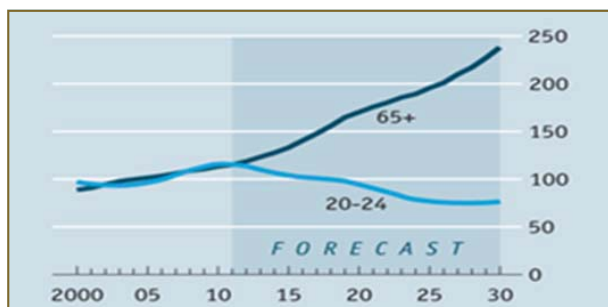
رتبه	کشور	برآورد جمعیت در نیمه‌ی سال ۲۰۱۱-۲۰۱۲
۱	چین	۱,۳۵۰,۶۹۵,۰۰۰
۲	هند	۱,۲۱۳,۳۷۰,۰۰۰
۳	ایالات متحده آمریکا	۳۱۳,۹۱۴,۰۴۰
۴	اندونزی	۲۴۷,۲۱۴,۰۰۰
۵	برزیل	۱۹۳,۹۴۶,۸۸۶

منبع: بخش آمار سازمان ملل (UNSD)

۲/۱ است که سرانجام می‌تواند به ثبات جمعیت منتهی شود. در واقع از نظر جمعیت‌شناسان چینی زمان، برای اصلاح نتایج مخرب سیاست تک‌فرزندی چین به روش‌های معمول از دست رفته است و برای این کار باید از سال‌ها پیش اقدام می‌شد.

امروزه در این کشور، سالخوردگی جمعیت حادث شده است و میزان باروری کل بسیار پایین‌تر از نرخ جانشینی است. این به آن معنی است که هر زن با خروج از مجموعه‌ی افراد مولد، دختری را جانشین خود نمی‌کند تا ازدیاد نسل تداوم داشته باشد. این در حالی است که اگر از چندین دهه‌ی قبل تجدید نظر در سیاست تک‌فرزندی اتفاق می‌افتاد، قطعاً اصلاح ساختار سریع‌تر انجام می‌گرفت.

رشد کندتر جمعیت با پدیده‌ی سالخوردگی منطبق می‌شود. در سال ۲۰۱۰ سهم جمعیت ۶۵ ساله و بیش‌تر از کل جمعیت چین برابر ۱۳/۳ درصد بود، بیش‌تر از ۱۰/۳ درصد که در سال ۲۰۰۰ به دست آمده بود. (نگاه کنید به نمودار ۱). در



نمودار ۱- بار تکفل سالمندی جمعیت چین بر حسب گروه‌های سنی عمده*

* اطلاعات سال ۲۰۱۱ به بعد برآورد شده است.

منبع: مؤسسه‌ی Brookings

خود در خصوص سیاست تک‌فرزندی از مردم سؤال کند چرا که اطمینان دارد سیاست تک‌فرزندی سال‌ها پیش باید حذف می‌گردید.

در ادامه برخی از دیدگاه‌ها در خصوص وضعیت کنونی جمعیت چین، که حاصل تصمیم‌گیری‌های سیاستمداران این کشور در گذشته است، ارائه می‌شود.

بحران جمعیتی بسیار شگفت‌انگیز

سرشماری جدید درباره‌ی سیاست تک‌فرزندی چین سؤالاتی را مطرح می‌کند.

آیا چین از جمعیت کافی برخوردار است؟ ممکن است این سؤال بی‌معنی به نظر برسد. این کشور هم به دلیل این که بیش‌ترین درصد از جمعیت جهان را در بین کشورها داشته و هم به دلیل قوانین سخت‌گیرانه‌ای که برای مهار رشد جمعیت داشته، مدت‌ها مشهور بوده است. با این وجود بیشتر مردم چین و خارج از چین که طرز فکری مشابه دارند، در خصوص افراط‌های اجباری و بی‌رحمانه‌ی سیاست تک‌فرزندی نگران بوده‌اند. همچنین اغلب، در خصوص تأیید این واقعیت که چین محتاج اقدامی برای حفظ جمعیت انبوه خود است، یک نوع بی‌تفاوتی وجود داشته است.

بعد از چند سال رنج بردن از یک مشکل جمعیتی (سیاست سخت‌گیرانه‌ی تک‌فرزندی)، که منجر به نرخ موالید بسیار پایین در چین شده است، نتایج منتشرشده از آخرین سرشماری سراسری در سال ۲۰۱۰ نشان داد که جمعیت کل چین برابر ۱/۳۴ میلیارد نفر است. نتایج همچنین نشان دادند که کاهش تندی (حدود ۵۷ درصد) در متوسط نرخ رشد سالانه جمعیت (در سال ۲۰۱۰) رخ داده است، این رقم معادل نصف نرخ رشد سالانه‌ی مشاهده‌شده در دهه‌ی قبل (۱/۰۷ درصد) است. بر اساس این نتایج، نرخ باروری کل که عبارت است از تعداد فرزندان که انتظار می‌رود یک زن در سن فرزندآوری (۱۵ تا ۴۹ ساله) به دنیا بیاورد، در حال حاضر فقط برابر ۱/۴ فرزند است. این رقم به مراتب پایین‌تر از سطح جانشینی

همین دوره‌ی ده ساله، سهم جمعیت زیر ۱۴ سال از ۲۳ درصد به ۱۷ درصد کاهش یافته است. ادامه‌ی این روندها بیش‌تر نگران‌کننده است، چرا که منجر به تحمیل بار بیشتر به جوانان در حال کار می‌شود که باید سالمندان خویشاوند خود را با همان کیفیتی که دولت و سیستم‌های بهداشتی به آن‌ها توجه می‌کنند، پشتیبانی کنند.

علاوه بر انحراف توزیع سنی جمعیت کشور، سیاست تک‌فرزندگی احتمالاً ناهماهنگی وخیم جمعیت را نیز تشدید کرده است. در چین تعداد موالید پسر خیلی بیش‌تر از موالید دختر است. البته این مشکل تنها در چین مطرح نیست، کشورهای دیگر، نظیر هند نیز با مشکلات مشابهی مواجه هستند بدون این‌که کنترل جمعیت اجباری بر آن‌ها حاکم باشد، اما مقامات چینی انکار نمی‌کنند که سیاست تک‌فرزندگی در این مورد نقش

داشته است. به لحاظ فرهنگی، چینی‌ها معتقدند فرزند پسر موجب اقتدار خانواده می‌شود، لذا بیش‌تر زنان علاقمندند که تنها فرزند مجاز آن‌ها پسر باشد. در روزهای ابتدایی حاکمیت سیاست تک‌فرزندگی، بعضی از زنان کودکان خود را از بین می‌بردند. به موازات گسترش تفکر افراطی ترجیح جنسی، سقط جنین نیز گسترش یافت.

در سال ۲۰۱۰، در بین موالید جدید، بیش از ۱۱۸ نوزاد پسر در برابر ۱۰۰ نوزاد دختر وجود داشته است. این سطح از نسبت جنسی در مقایسه با سطح مشاهده شده در سال ۲۰۰۰ افزایش کمی را نشان می‌دهد. همچنین به‌طور ضمنی نشان می‌دهد که در یک دوره‌ی حدود ۲۰ تا ۲۵ ساله، تقریباً برای یک پنجم از موالید پسر هیچ دختری وجود نخواهد داشت، این امر مضیق‌ه‌ی ازدواج پسران چینی را

تشدید خواهد کرد. البته با توجه به شرایط سخت‌گیرانه‌ی فوق، این نتیجه دور از انتظار نبوده است.

نتایج سرشماری، بحث‌های میان جمعیت‌شناسان دانشگاهی را تشدید می‌کند به‌گونه‌ای که آن‌ها تجدید نظر در سیاست تک‌فرزندگی را مطرح خواهند کرد. رئیس‌جمهور این کشور نیز در نظرات خود درباره‌ی نتایج سرشماری اخیر چین نکاتی را مطرح کرده است که حاکی از تغییر احتمالی سیاست‌ها در آینده نزدیک است. بر اساس گفته‌های ایشان ضرورت دارد که چین نرخ پایین زاد و ولد خود را حفظ نماید اما باید سیاست تنظیم خانوادگی فعلی خود را نیز بهبود بخشد. از صحبت‌های او به سختی می‌توان برداشت نمود که مردم در داشتن هر تعداد فرزند آزاد باشند اما تلویحاً مطلوب بودن دو فرزند برای همه، برداشت می‌شود.

مرجع‌ها

The Economist (2011). China's population, the most surprising demographic crisis, a new census raises questions about the future of China's one-child policy.

<http://unstats.un.org/unsd/demographic/products/vitstats/serATab2.pdf>.

